

صیاد بی رحم در برابر کبوتر صلح

کارکرد نهاد های مدنی در عرصه عمومی : «کاروان آزادی غزه»

بنی آدم اعضای یک پیکر اند
که در آفرینش زیک گوهر اند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهد آدمی
سعدی

عرصه عمومی، خاستگاه نهاد های مدنی

جهان امروز شاهد گسترش روزافزون نهاد های مدنی در عرصه ی عمومی است. این نهاد ها به گونه ای ابتکاری و داوطلبانه از سوی مردم در جای جای جهان شکل می گیرند و با رویکردی اخلاقی، به طور عمده هدف های انسان دوستانه را دنبال می کنند؛ از بسط و ارتقاء حقوق بشر و محیط زیست گرفته، تا مبارزه با جنگ افزا ر های کشتار جمعی، بیماری های واگیردار، انواع فقر، تبعیض، بی عدالتی و ظلم به انسان های محروم و بی پناه بویژه زنان و کودکان، و هم چنین کمک به زندانیان عقیدتی و سیاسی.

نهاد های مدنی با در نظر گرفتن یک «سه گانه» در کشور هایی که دموکراسی را پذیرفته اند، بوجود می آید: ۱. دولت مستقر ۲. مردم؛ که جامعه را تشکیل می دهند؛ و ۳. نهاد های مدنی؛ که در عرصه ی عمومی شکل می گیرند.

مردم در عرصه ی عمومی (Public Sphere)، که در متن جامعه وجود دارد، دور هم گرد می آیند و در مورد مسایل و مشکلات جامعه با هم گفت و گو و چاره جویی می کنند. مردم می توانند در چارچوب نهاد های مدنی و سازمان های غیردولتی، اجتماعهایی (Community) را شکل دهند و با یکدیگر به هم نشینی، هم اندیشی و همکاری بپردازند. نهاد های مدنی، حلقه ی واسطه بین توده ی مردم و نظام حکومتی اند. این نهاد ها، داوطلبانه و با اراده ی آزاد افراد جامعه تأسیس می شوند و به تناسب علایق و دغدغه ها و

دلبستگی ها، به موضوعات مورد علاقه شان، در خصوص مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می پردازند.

آنچه در نهادهای مدنی به دنبال این همفکری ها پدید می آید، خواسته ها و مطالبات جامعه است که در چارچوبی عقلانی، تدوین و صورت بندی می شود. نهاد های مدنی این خواست ها را به حکومت ها منتقل می کنند؛ یعنی در یک ارتباط متقابل، در باره در خواسته ها و مطالبات مردم با دولت به مذاکره می پردازند. حکومت دموکراتیک نیز این خواسته ها را با اولویت بندی مورد توجه قرار می دهد و بر اساس آن ها در کشور برنامه ریزی می کند. از سوی دیگر، نهاد های مدنی عرصه بروز ابتکارهای جامعه های انسانی است که دغدغه های بشر دوستانه و اخلاق انسانی، آنان را به کنشگری در راه آزادی، برابری، انصاف، و غمگساری و کمک به ستم دیدگان و محرومان در سطح های ملی، منطقه ای و جهانی فرا می خواند

این الگوی عقلانی که فیلسوف بزرگ آلمانی، **یورگن هابرماس**، صورت بندی روشنی از آن ارائه داده است، برای ادارهی کارآمد و موثر یک جامعه، بسیار سودمند است. در فقدان چنین الگویی، در یک کشور با توده های بی نام و نشانی سر و کار داریم که یا در متن جامعه بر اثر انسداد سیاسی، ساکت و منفعل اند، و یا اگر فرصتی بیابند فریاد می کشند، طغیان می کنند و سر به شورش برمی دارند، اما مجالی برای مطرح کردن خواسته های خویش از رهگذر سازو کارهای عقلانی نمی یابند. بر پایه ی دموکراسی، در عرصه عمومی با نهاد هایی روبرو می شویم که وظیفه ای ارتباط متقابل میان مردم و حکومت را به عهده دارند و در واقع نقش پلی ارتباطی را ایفا می کنند.

شکل گیری نهاد های مدنی در هر کشوری میسر نیست. این نهادها به معنی درست آن در کشور های استبدادی، تمامیت خواه و خودکامه پدید نمی آیند. باید شرایطی فراهم شود که امکان پذیرش عرصه ای عمومی و در نتیجه امکان برپایی نهاد های مدنی در یک جامعه بوجود آید. به باور من، در این راستا پنج شرط از اهمیت زیادی برخوردار است:

۱. دانایی حکومت گران؛ یعنی حاکمان «فرزند زمان خویش» باشند، دنیای خود را بشناسند، با اسلوب ها و روش های پیشرفته و موثر آشنا باشند و در ها را بسوی آگاهی، روشنگری و دانش های گوناگون بگشایند و خود تا آن مایه از دانایی برخوردار باشند که بتوانند درک امروزی و تازه ای از جهانی که در آن زندگی می کنند، به دست آورند.

۲. اعتماد به نفس؛ یعنی باید حکومت ها از قدرت (Power) و اقتدار (Authority) لازم برخوردار باشند، مردم به حاکمان خود اعتماد داشته و از آنان راضی باشند. دولت هایی که با عقلانیت، تجربه پذیری، نوآوری و با در نظر گرفتن معیار های اخلاقی حکومت می کنند، معمولاً دارای این خصایص

اند. بنابراین شکل گیری نهاد های مدنی، تهدیدی برای آنان محسوب نمی شود، بلکه از پویایی عرصه عمومی فعال در کشورشان استقبال نیز می کنند.

۳. پذیرش کثرت گرایی سیاسی (Political Pluralism)؛ یعنی حکومت ها بر مدار تنوع دیدگاه ها، باور ها و سلیقه ها، بپذیرند که احزاب، نهاد ها، بنگاه ها و سازمان های مختلف توسط مردم تأسیس شوند و در عرصه های مورد علاقه ای افراد فعالیت کنند و از وجود این رنگارنگی و تکثر، تنگ چشمی، ترس و نگرانی به خود راه ندهند؛ بلکه این نهاد ها را موهبتی برای پیشرفت جامعه و تحقق به-زمامداری (Good Governance) در کشور بدانند.

۴. تساهل و مدارا؛ این شرط نیز لازمی شکل گیری نهاد های مدنی است؛ یعنی حکومت از سعه صدر، بلند نظری و تساهل برخوردار باشد، و تنوع و تکثر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در چارچوب برپایی نهاد های مدنی بپذیرد.

۵. شکل گیری قدرت سیاسی و اداره ی جامعه براساس دموکراسی به مثابه کارآمد ترین روش در اداره ی امور جامعه. چنانکه می دانید، در مقابل دموکراسی، استبداد در شکل های اقتدار گرایی و تمامیت خواهی قرار دارد که اراده می کند همه چیز، از اقتصاد و صنعت گرفته، تا فرهنگ و سیاست و مسایل اجتماعی، تربیتی، آموزشی و نهاد های دینی را یکجادر اختیار بگیرد.

با برخورداری از این شرایط است که می توان شکل گیری عرصه عمومی و برپایی نهاد های مدنی را در یک کشور شاهد بود.

« کاروان آزادی غزه»، تبلور کارکرد نهاد های مدنی

اکنون پس از ذکر این مقدمات، می خواهیم از تجربه ای بی سابقه و بدیع سخن بگویم که در روزگار ما روی داد و بازتاب جهانی یافت. این تجربه ی گرانسنگ، برپایی ناوگان آزادی غزه بود که آموزه ی کنشگری افراد در چارچوب نهاد های مدنی را در اجتماعی جهانشهری با موفقیت رقم زد و ظرفیتی انسانی را در پهن ی گیتی به منصفه ی ظهور رسانید.

اطلاعات عمومی در خصوص این رویداد تاریخی به اندازه کافی منتشر شده است و تکرار همه ی آن ها لزومی ندارد. می کوشم به موضوع «کاروان ناوگان آزادی» به عنوان مصداقی از شکل گیری و کارکرد نهاد های مدنی در برابر مساله ای انسانی بپردازم. کاروان آزادی در پی محاصره ی غزه که از ژوئن ۲۰۰۷ آغاز شده بود، به راه افتاد. بحث در مورد این مساله که چرا این اتفاق رخ داد و نقش اسرائیل و فلسطینی ها اعم از حماس و فتح در این رابطه چه بود، موضوع مهمی است که از چارچوب گفت و گوی ما خارج است. من

اکنون به واکنش مدنی و انسانی نهاد های غیر دولتی با نام ناوگان آزادی غزه، در دهم خرداد ۱۳۸۹ (۳۱ می ۲۰۱۰) نسبت به محاصره غزه می پردازم.

در گزارش های مختلف ذکر شده که این کاروان مرکب از نهاد های مدنی و سازمان های غیردولتی انساندوستانه بوده است. افرادی از زن و مرد، جوان و میانسال، از ۴۰ کشور، این کاروان را تشکیل دادند. کاروان شامل ۸۰۰ فعال حقوق بشری و ۹ فروند کشتی بوده است. شرکت کنندگان از کشورهای ترکیه، مالزی، فرانسه، آلمان، یونان و دیگر کشورهای اروپائی بوده اند. این کاروان حامل کمک های پزشکی، دارویی، ویلچر و چادرهایی برای تأسیس بیمارستان های صحرایی، همچنین لوازم التحریر برای درس و مشق کودکان فلسطینی بوده است؛ چرا که از آغاز محاصره ی غزه، بیکاری تشدید شده بود، در دادو ستد اختلال ایجاد شده بود، قیمت اجناس تا ۳-۴ برابر افزایش یافته بود، بازار کالاهای قاچاق رونق پیدا کرده بود و شرایطی بسیار غیر انسانی پدید آمده بود. در برابر این مساله، طبیعی بود که دولت ها، سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی وظایف خود را انجام بدهند؛ اما در این میان، افرادی انسان دوست در چارچوب نهاد های مدنی حقوق بشری، ابتکار عمل را بدست گرفتند.

ترکیب این کاروان متشکل از خبرنگاران، داوطلبان نهاد های جامعهی مدنی در چارچوب پزشکان، وکلا، نمایندگان پارلمان و دیگر افراد انساندوست بود که هدفشان کمک به مردم غزه بود. آشکار است که این کاروان، بدون برخورداری شهروندان از عرصهی عمومی در نظام های دموکراتیک از ۴۰ کشور، نمی توانست شکل بگیرد. این کشور ها هر یک با درجاتی دموکراتیک اند و همانطور که قبلاً متذکر شدم، با درجاتی پنج شرط مذکور را دارا هستند.

می دانیم که هدف این کاروان، رویارویی و درگیری نبود. این ناوگان، غیر نظامی و غیر مسلح بود. هیچ کشتی نظامی نیز آن را اسکورت نمی کرد. این افراد هدفشان رساندن کمک به غزه بود ولی اشتباه اسرائیل این بود که با منطق کهنه و ابزار های کلاسیک، به رویارویی این حرکت مدرن دموکراتیک رفت. هنگامی که کاروان در آب های بین المللی در حال طی مسیر خود به سمت غزه بود، فقط دو اتفاق می توانست رخ دهد:

۱. رسیدن کاروان به غزه و تخلیهی کمک ها و بازگشت ؛

۲. مقابله قهر آمیز اسرائیل با این کاروان بشردوستانه؛

نیروی دریایی اسرائیل در حدود نیمه های شب، دستور حملهی نظامی به این کاروان را صادر کرد. افراد بی دفاع زیادی با آتش جنگ افزار های اسرائیلی در این درگیری کشته و زخمی شدند. آمار کشته ها از ۹ تا ۳۰

نفر و زخمی‌ها از ۳۰ تا ۵۰ نفر گزارش شده است. به هر حال این حادثه‌ی مرگبار رخ داد، ولی در هر دو صورت اسرائیل بازنده‌ی این کنشگری حقوق بشری بود.

در صورتی که اسرائیل راه را باز می‌گذاشت، در واقع تسلیم کاروان آزادی شده بود؛ چراکه راه کمک رسانی به فلسطینیان گشوده می‌شد و کنترل نوار غزه در فرستادن کمک‌های مستقیم از دستش خارج می‌شد؛ و در صورتی که راه را می‌بست- که متأسفانه این اتفاق افتاد-، به‌عنوان حکومتی که درک امروزی‌تری از تحولات دنیای جدید ندارد و با ابزارهای نظامی کلاسیک به رویارویی با حرکتی صلح‌آمیز، حقوق بشری و بشردوستانه رفته بود، معرفی می‌شد؛ که البته چنین شد.

محکومیت رفتار اسرائیل در برابر این مساله، انعکاس بسیار گسترده‌ای از سوی ملت‌های جهان، نهاد‌های مدنی، سازمان ملل متحد و حکومت‌ها داشت. کشور‌های جهان، اسرائیل را مورد انتقاد شدید قرار دادند و برخی از آن‌ها سفیران اسرائیل در کشور‌هایشان را احضار کردند. اسرائیل نیز نتوانست برای توجیه عمل ضد انسانی خود، جواب قانع‌کننده‌ای به جامعه بین‌المللی ارائه کند. در این حرکت، پیامدها به زیان اسرائیل تمام شد و اسرائیل را در تنگنا قرار داد. حتی آمریکایی‌ها، مقام‌های اسرائیلی را سرزنش کردند. در این رویداد تاریخی، اسرائیل به‌طور جدی به تنگنا افتاد و نتوانست از واکنش نظامی و تجاوزکارانه‌ی خود در برابر کاروان صلح و آزادی دفاع کند.

اگر بخواهیم در مورد کاروان آزادی از تمثیلی استفاده کنیم، به نظر من می‌توان حرکت انساندوستانه کاروان آزادی و واکنش اسرائیل را به «کبوتری معصوم» و «صیادی بیرحم» تشبیه کرد. وقتی کبوتر سپید بالی در آسمان پرمی‌کشد، بهترین رفتار با او آن است که بگذاریم این کبوتر به پروازش ادامه بدهد؛ کبوتر پاک و معصومی که نه سلاحی دارد و نه می‌تواند به کسی و جایی تعرض کند. وجدان اخلاقی به ما می‌گوید که نباید بال کبوتری را که مظهر زیبایی، معصومیت و پاکی است، بشکنیم. واقعیت آن است که اسرائیل در مقام صیادی بی‌رحم با کبوتری معصوم و مغموم رویارو شد که توشه‌ای در منقار داشت برای هدیه کردن به کودکان، دختران، پسران، مادران و پدران فلسطینی. اسرائیل با شلیک به این کاروان، سینه و بال‌های کبوتر صلح و آزادی را خونین کرد و بیرحمانه او را از ادامه‌ی پرواز بازداشت. هیچ انسان آزاده و با وجدانی نمی‌تواند نشانه‌گیری صیادی بی‌رحم به سوی کبوتری تنها و بی‌پناه را تحمل کند. حتماً وجدان بیدار بشریت، این‌گونه رخداد‌های خشونت‌آمیز و ضد انسانی را محکوم می‌کند.

آنچه در کناره‌ی غزه رخ داد، برآمده از ویژگی‌های منحصر به فرد نهاد‌های مدنی است. حکومت‌هایی که از شکل‌گیری و کارکرد‌های نهاد‌های مدنی وحشت دارند و با تمامیت‌خواهی آنرا سرکوب می‌کنند و یا نظام‌هایی که می‌خواهند به صورت فرمایشی، نهاد‌هایی تأسیس کنند که با سو استفاده از خوشنامی نهاد‌های

مدنی، به عنوان ابزار و وسیله در جهت مقاصد سیاسی همواره در چنگشان باشد، می توانند درس های زیادی از این حادثه بیاموزند.

نقشی که این کاروان در عرصه ی بین المللی ایفا کرد، هیچ ارتش و حکومت قدرتمندی نمی توانست ایفا کند. این رویداد تاریخی از قابلیت های سازمان های غیردولتی حکایت می کند که از الزامات، مقررات و دیوانسالاری های دولت ها آزاد اند و می توانند به گونه ای ابتکاری و داوطلبانه، بر پایه ی صلح و آزادی به انسان های مظلوم کمک کنند. هنگامی که این اقدام طبیعی و مبتکرانه ی حقوق بشری انجام شد، برخی حکومت ها تلاش کردند از این نمذ برای خود کلاهی بسازند، اما چون از سویی در کشور هایشان نهاد های مدنی امکان ظهور و نشو و نما ندارند، واز سوی دیگر، خود ظرفیت ها و توانایی نهاد های مدنی را دارا نیستند، لاجرم دست به مانور هایی تبلیغاتی زدند، بدون این که موفق شوند در کمک به این قافله ی نوع دوستانه، کاری انجام دهند و برای خود و جاهتی کسب کنند.

ویژگی برجسته دیگر کاروان ناوگان آزادی این بود که ترکیب کشور های حاضر در آن یک ترکیب غیر ایدئولوژیک بود. این داوطلبان، مرکب از افراد نژاد ها و زبان های مختلف، پیروان ادیان مختلف و از ملیت های مختلف بودند که دور هم گرد آمدند؛ در حالی که هیچ حد و مرزی مانند نژاد، زبان، ملیت، دین و جغرافیا آنان را تعریف نمی کرد. در واقع گرانیگاه همکاری این ۸۰۰ نفر انسان، حرکتی انساندوستانه و حقوق بشری بود؛ بدون این که مدعیان هیچ ایدئولوژی، نژاد، زبان، ملیت و دین خاصی بتوانند آن را به نفع خویش مصادره کنند.

نهاد های مدنی در دمکراسی ها شکل می گیرند

پرسشی که اکنون رخ می نماید آن است که با توجه به ساختار اقتدار گرای دولت های منطقه خاورمیانه، آیا می توان به شکل گیری نهاد های مدنی در این منطقه و کنشگری آن ها امیدوار بود؟

در منطقه ی ما، اگر شرایط پنجگانه ای که ذکر کردم تحقق پیدا کند، می توان به تدریج شاهد شکل گیری عرصه ی عمومی و تاسیس نهاد های مدنی بود. البته در برخی از کشور های خاورمیانه نمونه هایی از نهاد های داوطلبانه ی غیر دولتی را می توان یافت. این که ترکیه پیشتاز چنین کاروانی می شود، امری تصادفی نیست. با مطالعه ی وضعیت احزاب و رسانه ها در ترکیه، می بینیم که این کشور پیشرفت های زیادی در عینیت بخشیدن به رفتار ها و سازو کارهای دمکراتیک کرده است. عرصه ی عمومی در ترکیه روز به روز در حال گسترش است. تصادفی نیست که در استانبول، در اعتراض به تجاوزهای اسرائیل به فلسطین، تظاهرات دو و نیم میلیون نفری از سوی مردم بر پا می شود. این تظاهرات چشمگیر، نمایانگر اراده ی نهاد

های مدنی است، نه دولت ترکیه. در کدام شهر از کدام کشور مسلمان نشین، تا کنون چنین اجتماع داوطلبانه و غیر دولتی در اعتراض به سیاست ها و عملکرد های اسرائیل شکل گرفته است؟ عرصه عمومی در ترکیه عرصه ای آزاد است که نهاد های مدنی در آن می توانند فعالیت کنند.

مهمترین موضوع، تن دادن حکومت های منطقه ی ما به اراده و حاکمیت مردم است؛ به این معنی که ارزش های دموکراتیک را بپذیرند و با اعتماد به نفس و بر اساس قانون، امکان شکل گیری عرصه عمومی را برای اجتماع ها، نهاد ها و احزاب فراهم کنند. این فراهم کردن به معنای تأسیس نهاد های مدنی توسط حکومت ها نیست. حکومت ها نمی توانند و نباید دست به تشکیل نهاد های مدنی بزنند. این وظیفه خود مردم است که داوطلبانه این نهاد ها را تأسیس کنند. در صورت شکل گیری نهاد های مدنی، حکومت ها می توانند بهره های بسیار زیادی از این نهاد ها ببرند. یک نمونه ی آن کسب اطلاع از شکوه ها، خواسته ها و مطالبات مردم در شکل های روشن، شفاف و عقلانی است؛ در غیر این صورت، مجبوراند از غوغا و اعتراض و نفرین مردم بی پناه، سرسام بگیرند و یا از ترس شعله ور شدن آتش خشم مردم، خواب از چشمانشان ربوده شود. به اعتقاد من، اگر حکومت ها در برابر شکل گیری عرصه عمومی و برپایی نهاد های جامعه مدنی مانع ایجاد نکنند، در عمل ظرفیت ها و کارآمدی های آن ها را در اداره ی امور جامعه درک خواهند کرد. ما اینجا از «آزادی منفی» (Negative Liberty) سخن می گوئیم، یعنی بسنده است دولت ها در شکل گیری نهاد های مدنی دخالت نکنند و بگذارند این نهاد ها به طور طبیعی در عرصه عمومی شکوفا شوند. بی تردید، شکل گیری نهاد های مدنی، برابر قانون خواهد بود. دولت ها نیز موظف اند در تأمین امنیت اعضاء و تاسیسات این نهاد ها، در کمال بی طرفی و مسئولانه، به وظایف قانونی خویش عمل کنند.

حکایت نهاد های مدنی همچنان باقی است

ابتکار انسان دوستانه ی کاروان آزادی غزه اکنون تبدیل به فرایندی پویا و مداوم شده است. با سپری شدن چند ماه از ظهور و بروز این پدیده ی مبارک، فعالان حقوق بشر هم چنان در حال گسیل کاروان های تازه به سوی غزه هستند.

پس از رویداد های بهار و تابستان امسال، در مهرماه گروهی از یهودیان با یک فروند کشتی حامل تجهیزات پزشکی، کتاب های درسی و اسباب بازی کودکان راهی غزه شدند؛ در حالی که یک یهودی ۸۲ ساله که از هولوکاست جان سالم بدر برده بود، در میان آنان بود. رویداد بعدی، نام نویسی از ۵۰۰ نفر از کشور سوئیس شامل دانشگاهیان، روزنامه نگاران، و چهره های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای مشارکت در «کاروان آزادی ۲» بود که «برنامه اروپایی لغو محاصره غزه» مبتکر آن است. این نهاد مدنی هزاران درخواست برای

شرکت در کاروان آزادی ۲ دریافت کرده است. کاروان دیگر، «زنده باد فلسطین» نام گرفته است که از انگلستان راهی ترکیه شد تا به مقصد غزه حرکت کند.

افراد نام آوری نیز با این کاروان ها همراه شدند. یکی از آنان ماریمن کوزاک ۷۵ ساله است. او یک یهودی لهستانی است که وقتی هشت ساله بود، پدرش به دست نازی های آلمان کشته شد. این بانوی سالخورده، مادر اد میلیبند رهبر حزب کارگر انگلستان است. فرد دیگر، جرج گالووی نماینده پیشین انگلستان است که سرپرستی کاروان موسسه «فیفا فلسطین» را در کنار ۹۰ نفر از ۳۰ کشور همراه با ۴۵ خودرو حامل کمک های انسانی به عهده گرفت. این افراد گوناگون، همگی دغدغه های عمیق اخلاقی و انسان دوستانه دارند. در آذر ماه سال جاری، «کاروان اروپایی امید» نیز راهی غزه شد تا در این پویش انسان دوستانه برای شکستن محاصره مردم غزه، مشارکت کند.

برداشت من آن است که الگوی کاروان آزادی غزه به عنوان حرکتی انسان دوستانه، ابتکاری، داوطلبانه و غیر دولتی در چارچوب نهادی های مدنی حقوق بشری، در آینده، در غزه و در هر جای دیگر جهان که ستمی به انسان های بیگناه و مظلوم برود، می تواند تکرار شود. این ابتکار جدید، ممکن است شکل های متفاوتی به خود بگیرد، اما اصل این پویش انسانی به مثابه خلق مدلی جدید از مشارکت مدنی، در عرصه عمومی قابل تکرار است. جوهر این حرکت جهانشمول، احترام به انسان و التزام به اخلاق و حقوق انسانی است. الگوی کاروان آزادی به عنوان شاهد و گواهی از این واقعیت که انسانیت و اخلاق در آستانه ی دومین دهه ی سده ی بیست و یکم در جهان فرا صنعتی هم چنان زنده و بالنده است، در تاریخ جهان ثبت می شود تا به نسل های آینده ی بشر انتقال یابد.